

## بیمه هزینه‌های قضایی: الگویی برای توانمندسازی شهروندان

محمد منصورى بروجنى<sup>1</sup>

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، پردیس

فارابی دانشگاه تهران

سیدناصر سلطانی<sup>2</sup>

استادیار گروه حقوق عمومی، پردیس فارابی

دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 1396/01/03

تاریخ پذیرش: 1397/04/27

### چکیده

بیمه هزینه‌های قضایی از جمله ابزارهای تجربه‌شده در بسیاری از کشورهای جهان برای افزایش دسترسی شهروندان به عدالت به شمار می‌آیند؛ باین حال ایران از جمله کشورهایی است که چنین تجربه‌ای در آن پانگرفته است. این مقاله مطالعه‌ای کتابخانه‌ای با رویکرد تطبیقی است که از روش‌های توصیفی و تحلیل انتقادی حقوقی بهره برده است. این مقاله می‌کوشد ضمن معرفی بیمه هزینه‌های قضایی و روش‌های جایگزینی که در حقیقت بیمه نیستند، اما مبتنی بر توزیع هزینه‌های سنگین خدمات قضایی هستند، الزامات شکل‌گیری بیمه‌های هزینه‌های قضایی را در نظام حقوقی ایران نشان دهد. بررسی‌های این مقاله نشان می‌دهد بازار غیر شفاف و غیر منضبط ارائه خدمات و کالته تا چه اندازه مانعی بزرگ برای دسترسی به این مهم به شمار می‌رود. رواج بیمه‌ها نیازمند انضباط‌بخشی به بازار و کالت است. هم‌چنین در این مقاله منافع و مضار بیمه‌های قضایی از منظر توانمندسازی حقوقی نیز بررسی می‌شود. بیمه‌های قضایی در عین اینکه می‌توانند ابزاری برای افزایش تسلط شهروندان بر زندگی خود باشند، قادرند به ابزاری جهت سلب اختیار شهروندان در پرونده‌های خود تبدیل شوند؛ بنابراین در ترویج بیمه‌های قضایی نباید مقررات‌گذاری برای بیمه‌گران را دست کم گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** بیمه هزینه‌های قضایی، دسترسی به عدالت، بیمه و کالت، انحصار در و کالت

1- M\_mansouri@ut.ac.ir

2- naser.soltani@ut.ac.ir

DOI: 10.22067/le.v25i14.63404

## مقدمه

توانمندسازی حقوقی به معنای استفاده از ابزار حقوق در جهت افزایش تسلط شهروندان بر زندگی است. توانمندسازی حقوقی می‌کوشد روابط نابرابر قدرت را که روابط آسیب‌پذیر می‌خوانیم تعدیل کند. توانمندسازی حقوقی برای طبقات مختلفی از شهروندان و متناسب با نیاز ایشان از ابزارهای متفاوتی بهره می‌گیرد. بسیاری از شهروندان در روال عادی زندگی خود، محتاج هیچ‌گونه حمایتی نیستند. وجود نوعی توازن در دخل و خرج و برخورداری از حداقل‌های رفاهی، باعث می‌شود تا هیچ‌گاه این شهروندان در فهرست کسانی که ممکن است تسلطشان بر زندگی را از دست بدهند، قرار نگیرند. این قبیل شهروندان اگرچه محروم تلقی نمی‌شوند، اما نمی‌توان به نحو اطمینان‌بخشی ادعا کرد که آسیب‌پذیر نیز نیستند. اتفاقات گوناگونی می‌تواند توازن معیشتی ایشان را بر هم بزند. اگرچه این افراد در برابر برخی اتفاقات آسیب‌پذیرند و احتمال سقوط آن‌ها به رده افراد محروم و نیازمند کمک‌های یارانه‌ای کاملاً محتمل است، اما در روال عادی زندگی قادر به برقراری نظام‌های خودحمایت‌گری هستند.

حیات انسانی آستن اتفاقاتی است که روال عادی زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مفهوم ریسک برای چارچوب‌بندی مفهومی این اتفاقات خلق شده است. طبق یکی از تعاریف، ریسک، «انحراف در پیشامدهایی است که می‌توانند در طول یک دوره مشخص در یک موقعیت معین اتفاق بیافتند». هر چه امکان وقوع پیشامدهای مختلف بیشتر باشد، ریسک بزرگ‌تر است. (Williams & Heins, 2003, p. 27) درگیر شدن در روندهای قضایی نوعی ریسک به حساب آمده و می‌تواند موضوع روش‌های مدیریت ریسک باشد. برای مدیریت ریسک، چند روش پیشنهاد شده است: «اجتناب از وقوع خسارت، کنترل خسارت، نگهداری، انتقال غیر بیمه‌ای و بیمه». (Rejda, 2015, pp. 25-26) در این جستار به مدیریت ریسک‌های قضایی از طریق بیمه می‌پردازیم. بیمه یعنی «مؤسسه یا صندوق مشترکی که کارش سازمان دادن به تعاون افراد در معرض خطر، از طریق جمع‌آوری وجوهی معین طبق موازین آماری به منظور مقابله با عواقب خطرها» است (Mahmoudsalehi, 2010, pp. 78-79).

درگیر شدن در روند یک دعوای قضایی نوعی ریسک است و بر همین اساس احتمالاً بتوان از

ابزار بیمه یا ابزارهای مشابه برای کاهش آثار آن استفاده کرد. این جمله مدعای کلی این مقاله است. در بخش‌های مقدماتی مقاله نشان می‌دهیم ریسک چیست و چرا دعوای قضایی نوعی ریسک است و در بخش‌های بعدی مقاله خواهیم گفت در نظام حقوقی ایران چه موانعی بر سر راه استفاده از ابزار بیمه هزینه‌های قضایی<sup>۱</sup> وجود دارد که موجب تردید در امکان موفقیت آن می‌شود؟

در بدو پیدایش بیمه‌های هزینه‌های قضایی، به این نهاد به‌عنوان ابزاری در خدمت طبقه متوسط و نه فقرا نگریسته می‌شد. (Stolz, 1968, p. 418) بیمه‌های هزینه‌های قضایی در ابتدای طرح خود در صدد حل چالش دسترسی‌پذیری خدمات حقوقی برای افراد میان‌درآمد جامعه بوده‌اند. ابزارهای توانمندسازی نباید صرفاً گروه‌های محروم را هدف بگیرند، چراکه عدم احقاق حق یک عضو طبقه متوسط می‌تواند منجر به سقوط دائم یا موقت وی به جمع فقرا شود. بدون انکار این هدف‌گذاری اولیه، باید دانست در کشورهایی که این بیمه‌ها رواج دارند، منافع آن به دهک‌های درآمدی پایین نیز رسیده است. به‌عنوان مثال در هلند، در ابتدا به نظر می‌رسید بیمه‌های قضایی تنها برای ثروتمندانی جذابیت خواهد داشت که کمک‌های حقوقی دولتی به ایشان تعلق نمی‌گیرد، اما نتایج یک پیمایش نشان می‌دهد بیش از ۳۰ درصد کم‌درآمدترین افراد جامعه نیز تحت پوشش یکی از انواع بیمه‌های هزینه‌های قضایی هستند، البته این نرخ با افزایش درآمد نیز افزایش می‌یابد، اما نکته حائز اهمیت، رواج این ابزار حتی در میان اقشاری است که از کمک‌های حقوقی رایگان دولت بهره‌مند می‌شوند. نویسندگان در تحلیل آمارهای حاصل از این پژوهش به این نتیجه می‌رسند که درآمد تنها یکی از عوامل مؤثر بر استفاده از بیمه‌های قضایی است، به‌عنوان مثال این مزیت که یک بیمه قضایی، می‌تواند کل خانواده را پوشش دهد، موجب جذابیت این بیمه‌ها برای شهروندان متأهل شده است (Velthoven & Haarhuis, 2011, p. 593).

چنین ابزارهایی دست کم می‌تواند به‌عنوان روشی برای پیشگیری از افزایش بار مالی کمک حقوقی به فقرا مطرح شوند. در کشور سوئد از این ابزار برای کاهش بار معاضدت قضایی بهره گرفته شده است. (Regan, 2003, p. 49) به‌رغم انتقادات ناشی از شیوه اجرا، این طرح توانسته

1- Legal Expenses Insurance. (LEI)

نقش مهمی در افزایش دسترسی مردم سوئد به وکلا و دادگاه‌ها داشته باشد، (Regan, 2003, p. 65) اگرچه یکی از مهم‌ترین دلایل توفیق بیمه‌های قضایی در سوئد، تحت پوشش بودن بیش از ۹۰ درصد مردم است. این بیمه‌ها از جمله ضمائم رایگان بیمه‌های خانوار به شمار می‌روند، (Regan, 2001, p. 294) به همین خاطر هم مخزن ریسک<sup>۱</sup> این بیمه‌ها بسیار بزرگ است و هزینه آن را به نحو قابل توجهی کاهش می‌دهد و هم نسبت قابل توجهی از شهروندان به آن دسترسی دارند. هرچند روند رو به رشد هزینه بیمه‌های خانوار (و احتمال حذف بیمه‌های قضایی از فهرست بیمه خانوار) و تغییر اتکای نظام کمک‌رسانی حقوقی از معاضدت قضایی رایگان به سمت بیمه‌های قضایی، بدل به تهدیدی بالقوه برای این قسم بیمه‌ها شد. اهمیت ضمیمه بودن<sup>۲</sup> بیمه‌های قضایی تا جایی است که رگان معتقد است در کشورهایی که بیمه‌های قضایی مستقلاً<sup>۳</sup> عرضه شده‌اند، موفقیت تجاری نداشته‌اند (Regan, 2001, p. 296).

این مقدمه و آشنایی اجمالی با بیمه هزینه‌های قضیه مورد انگیزه‌های کافی برای بهره‌گیری از چنین نهادی در نظام حقوقی ایران است. از جایی که جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی‌زبان تا زمان نگارش این مقاله (میانه سال ۱۳۹۵) هیچ‌گونه سابقه تحقیقی را در این زمینه نشان نمی‌داد، در این مقاله بر آن شدیم تا ضمن معرفی بیمه هزینه‌های قضایی، امکان بهره‌گیری از این نهاد در بازار خدمات قضایی ایران را بررسی کرده و از منظر توانمندسازی حقوقی دشواری‌های اخلاقی پیش روی این نهاد را بکاویم. به همین منظور یک مطالعه کتابخانه‌ای با رویکرد تطبیقی به انجام رسید. از جایی که این مطالعه از سنخ مطالعات اکتشافی به شمار می‌رود بیان دستاوردهای آن به صورت توصیفی و توأم با تحلیل انتقادی حقوقی بوده است. در مقاله حاضر پس از معرفی مفهوم بیمه، مبانی بیمه هزینه‌های قضایی بیان شده و با دستاوردهای حاصل از شناخت بیمه هزینه‌های قضایی، میزان آمادگی بازار خدمات قضایی برای ورود این بیمه‌ها را تحلیل کرده‌ایم. با توجه به ویژگی‌های بازار ایران، که می‌تواند مانعی برای استفاده از بیمه هزینه‌های قضایی در معنای ناب خود باشد، سایر روش‌هایی که تحت عنوان بیمه هزینه‌های قضایی

1- Risk Pool.

2- Add-on.

3- Stand-alone.

شهره شده و کمابیش ویژگی‌ها و کارکرد مشابهی دارند نیز بررسی و تحلیل شده‌اند. نتیجه این مقاله به بررسی بیمه‌های از منظر اخلاق توانمندسازی حقوقی پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که نهادی که وصف آن رفت چگونه می‌تواند در خدمت اهداف توانمندسازانه قرار گیرد.

### مفاهیم اساسی و الزامات بیمه و مدیریت ریسک

ریسک‌ها انواع و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارند و بیمه برای مدیریت بعضی از این ریسک‌ها به کار می‌رود. علاوه بر این، هر بیمه برای به صرفه بودن از مجموعه‌ای از اصول و ضوابط ثابت پیروی می‌کند. هر طرح بیمه هزینه‌های قضایی نیازمند توجه به این الزامات است.

یک تقسیم‌بندی رایج، تقسیم ریسک‌ها به نوعی و شخصی است. ریسک نوعی، انحراف از معیار قابل پیش‌بینی و اندازه‌گیری است که به کمک آمار و احتمالات، به نحوی تقریبی، قابل محاسبه است. این قبیل ریسک‌ها به نحوی مساوی و واقعی بر افراد تأثیر می‌گذارند. ریسک شخصی اما معلول ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی فرد است. ریسک نوعی یک موقعیت واحد، برای همه یکسان است، اما ریسک شخصی، متناسب با ارزیابی‌های هر فرد و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. (Rejda, 2015, pp. 6-10) به‌عنوان مثال آمار وقوع تصادفات در آزادراه جابلقا-جابلسا در یک بازه طولانی مدت یک در صد تردهاست، این یک ریسک نوعی است، اما ارزیابی افراسیاب این است که سفر در این آزادراه خطر تصادف و احتمال مرگ را به همراه دارد و به همین خاطر ترجیح می‌دهد به‌هیچ‌وجه از این آزادراه استفاده نکند. ریسک شخصی استفاده از آزادراه در افراسیاب بزرگ است. آمار نشان می‌دهد از هر ده نفر که برای صعود به قله قاف کوشیده‌اند، نه تن جان خود را از دست داده‌اند. علی، با وجود علاقه‌ای که به زندگی دارد، مایل است این صعود را بیازماید. علی یک فرد جسور تلقی می‌شود چراکه ریسک شخصی صعود به قاف برای او بسیار کمتر از ریسک نوعی آن است. پوشش‌های بیمه‌ای و هزینه‌هایی که برای آن در نظر گرفته می‌شود، متناسب با ریسک نوعی موقعیت یا وضعیت هستند.

یک تقسیم‌بندی حائز اهمیت دیگر، تقسیم‌بندی ریسک‌ها به خالص و سوداگرانه هستند. ریسک‌های محض، ریسک‌هایی هستند که در قبال آن‌ها دو احتمال عدم زیان یا زیان وجود دارد؛ اما ریسک‌های سوداگرانه با سه احتمال سود، زیان و عدم سود و زیان مواجه‌اند. ریسک‌های خالص یا ریسک‌های واقعی، عموماً موجب تضرر جامعه می‌شوند، حال آنکه ریسک‌های

سوداگرانه در مجموع به سود جامعه‌اند. ریسک‌های سوداگرانه موقعیت‌هایی برای کارآفرینی و تولید ثروت به شمار می‌روند. اگرچه هیچ کس از وجود ریسک‌های واقعی خرسند نیست، اما کسانی هستند که با طیب خاطر به استقبال ریسک‌های سوداگرانه می‌روند. از این بین، صنعت بیمه برای مقابله با ریسک‌های خالص ایجاد شده است (Williams & Heins, 2003, pp. 36-39). تنها ریسک‌هایی قابل بیمه شدن‌اند که احتمال سود در آن‌ها وجود ندارد. بعضی از دعاوی قضایی، یک ریسک سوداگرانه به حساب می‌آیند. یک مسئله مهم در بیمه هزینه‌های قضایی آن است که کدام هزینه‌ها قابل بیمه شدن هستند و کدام هزینه‌ها می‌توانند با روش‌های سوداگرانه‌ای نظیر حق‌الوکاله مشروط یا محتمل مدیریت شوند.

صنعت بیمه با مخاطراتی روبرو است که احتمال وقوع خسارت را افزایش می‌دهد. بعضی از این مخاطرات نظیر مخاطرات اخلاقی یا رفتاری مستقیماً با وجود بیمه‌ها در ارتباط است. به‌عنوان مثال بیمه سرقت خودرو می‌تواند منجر به بی‌توجهی افراد در حفظ و نگهداری معمول خودرو شده و در نتیجه احتمال وقوع سرقت و کاهش منفعت بیمه‌گر را افزایش می‌دهد. در حالی که دیگر، افراد به گمان ثروتمندی شرکت‌های بیمه، از صحنه‌سازی، خلاف‌گویی یا دست و دلبازی برای هزینه کردن به حساب شرکت بیمه، ابایی ندارند. وجود مخاطرات اخلاقی و رفتاری می‌تواند موجب افزایش حق بیمه‌ها و کاهش سطح پوشش بیمه‌ای شود. بیمه‌ها با روش‌هایی نظیر فرانشیز (پرداخت کسری از خسارت توسط بیمه‌گذار)، زمان انتظار (لزوم طی یک زمان مشخص تا اجرایی شدن بیمه)، الحاقیه و عدم قبول خسارت از این قبیل مخاطرات می‌گریزند. (Rejda, 2015, pp. 10-11) بیمه‌های قضایی فراوان با این قبیل مشکلات دست و پنجه نرم خواهند کرد. به‌عنوان مثال در کشور هلند برای بیمه‌های قضایی یک زمان انتظار سه ماهه در نظر گرفته شده است، (Velthoven & Haarhuis, 2011, p. 590). تا مبدا بیمه‌گذار برای یک نزاع موجود اقدام به خرید بیمه کند.

بالاتر بردن دستمزد وکیل، طرح دعاوی واهی یا بی‌ملاحظگی در روابط اجتماعی به پشتوانه پوشش ریسک دعاوی قضایی از دیگر مخاطرات بیمه هزینه‌های قضایی به شمار می‌رود. به همین خاطر برخی نویسندگان بیمه‌های قضایی را فی‌نفسه موجب مخاطره اخلاقی می‌دانند: «همان‌طور که هزینه وکیل و تعرفه‌های دادگاه، دادخواهی را محدود کرده و کنار گذاشتن منازعه حقوقی را تشویق می‌کند، چه بسا حذف ریسک‌های هزینه از طریق بیمه، بیمه‌گذاران را -بدون یک شانس

معقول برای پیروزی - به سمت ریسک طرح دعوا و استفاده از خدمات و کلاً ترغیب کند» (Blankenburg, 1981, p. 601).

«انتخاب زیان‌بار<sup>۱</sup>» یا «گزینش نادرست» نیز از جمله چالش‌های یک قرارداد بیمه است. اصولاً کسانی که در معرض خطر بیشتری هستند، تمایل بیشتری به استفاده از پوشش‌های بیمه‌ای دارند. خرید بیمه‌نامه‌ای با نرخ استاندارد توسط یک فرد پرریسک، به معنای انتخاب زیان‌بار بیمه‌گر و فزونی گرفتن خسارات آتی بیمه‌گر از پیش‌بینی‌هاست. (Rejda, 2015, p. 56) بیماری بین اقشار گوناگون جامعه، تا حد زیادی منصفانه توزیع می‌شود، حال آنکه توزیع ریسک دعاوی قضایی بین همه اقشار جامعه یکسان نیست. توزیع دعاوی مدنی در بین اقشار ثروتمند یا اقشاری که بیشتر با ریسک‌های تجاری سر و کار دارند، بیشتر است. به همین نحو، توزیع شکایات کیفری بین اقشاری که جامعه‌پذیری پایین‌تر یا رفتارهای ضد اجتماعی بیشتری دارند، افزایش می‌یابد (Stolz, 1968, p. 428).

قراردادهای بیمه از اصولی حقوقی تبعیت می‌کنند که به‌اجمال عبارتند از ۱- اصل غرامت ۲- اصل نفع بیمه‌پذیر ۳- اصل جانشینی ۴- اصل حد اعلای حسن نیت. بر پایه اصل غرامت، بیمه‌گر جبرانی برای خسارت ناشی از ریسک بیمه‌شده است؛ بنابراین بیمه‌گذار نمی‌تواند خسارتی بیش از آنچه به او وارد شده دریافت کند. اصل نفع بیمه‌پذیر، تمهیدی برای جلوگیری از رواج قمار با قرارداد بیمه است. بیمه‌گذار باید نفع مشخصی از قرارداد بیمه داشته باشد. اصل جانشینی، بیمه‌گر را قائم مقام بیمه‌گذار در پیگیری دعوا علیه فرد خسارت‌زننده و وصول خسارت می‌کند و نهایتاً اصل حد اعلای حسن نیت دال بر لزوم رعایت کمال صداقت در اظهارات، تضمین‌ها و پیشنهادهای هر یک از بیمه‌گذار و بیمه‌گر در قرارداد بیمه است. فقدان این حسن نیت می‌تواند آثاری نظیر فسخ و بطلان برای قرارداد بیمه به همراه بیاورد (Rejda, 2015, pp. 383-403).

### مبانی بیمه هزینه‌های قضایی

بدیهی است که بیمه‌های قضایی نه حق، بلکه محصولی تجاری برای افزایش سطح رفاه و مطلوبیت زندگی‌اند، اما معنای این جمله آن نیست که بیمه‌ها نتوانند به اجرای بعضی حق‌ها یاری

1- Adverse Selection.

برسانند. «برابری فرصت‌ها» از این دسته است: معنای برابری فرصت‌ها برای شهروندان تنها آن نیست که شهروندان در ظل قانون، صاحب حق‌هایی برابر باشند، بلکه اقتضای این فرصت برابر، دسترسی به وکیل و مشاوره حقوقی برای احقاق حق نیز هست (Frierson, 1975, p. 6).

بیمه هزینه‌های قضایی، می‌تواند منجر به کاهش حجم پرونده‌های ورودی به مراجع قضایی و مآلاً کاهش هزینه‌های عمومی شود. گرانی خدمات حقوقی موجب می‌شود تا بسیاری از شهروندان، لقای وکیل را به عطایی که باید بدهند، ببخشند. مراجعه به وکیل تنها زمانی صورت می‌گیرد که پرونده قضایی به جریان افتاده است. نخستین نویسندگان ادبیات بیمه‌های قضایی به این مزیت بیمه‌ها اشاره می‌کردند که با وجود بیمه‌ها، شهروندان به محض احساس نخستین مشکلات، از مشاوره‌های یک وکیل بهره‌مند شده و مانع از گسترش دامنه معضل خود می‌شوند. (Stolz, 1968, p. 422) اما در نقطه مقابل دیدگاهی کاملاً مخالف درباره بیمه هزینه‌های قضایی وجود دارد: در آلمان، انتقاداتی متوجه نقش این بیمه‌ها در افزایش پرونده‌های ورودی به دادگاه‌ها بوده است. این باور وجود داشت که وکلا پرونده‌های ضعیفی را که در حالت عادی حاضر به دفاع از آن نیستند، در صورت وجود بیمه به دادگاه می‌برند. با این حال بررسی‌های آماری بعدی نشان می‌داد اگرچه در بعضی پرونده‌های خاص (که بی‌ارتباط با نظام وکالت آلمان نبوده است) پوشش بیمه‌ای موجب افزایش دعاوی شده بود، اما پرونده‌های مدنی افراد دارای بیمه در ۶۱ درصد موارد موفق بوده‌اند و پرونده‌های مدنی افراد فاقد بیمه در ۶۳ درصد موارد. این تفاوت جزئی را نیز بر این پایه می‌توان توضیح داد که افراد دارای بیمه تمایل کمتری به مصالحه دارند. (Kilian, 2003, p. 46) تحلیل اقتصادی نیز این تمایل کمتر را اثبات می‌کند. (Qiao, 2010, p. 5) مطالعات دیگر نشان می‌داد بیشتر غرامت‌های درخواستی از بیمه، مربوط به مشاوره‌های حقوقی یا فعالیت‌های خارج از دادگاه بوده و پوشش بیمه‌ای لزوماً منجر به طرح دعوا پیش از تلاش برای مصالحه نمی‌شود (Blankenburg, 1981, p. 614).

مطالعه کیلیان می‌تواند ذهن را متوجه این نکته کند که بیمه‌ها شاید باعث افزایش حجم پرونده‌های ورودی به دادگاه شده بودند، اما این افزایش حجم به دلایل واهی نبوده است، در حقیقت باید از این منظر به ماجرا نگریست که اگر بیمه‌ها در دسترس نبودند، احتمالاً شمار قابل توجهی از شهروندان از پیگیری حقشان صرف نظر می‌کردند. افزایش دسترسی به عدالت، اگر موجب اقامه دعاوی بیشتر شود، نباید ما را آزرده‌خاطر سازد، آنچه نگران‌کننده است، رشد اقامه



دعاوی واهی است، که شواهد قطعی برای این احتمال وجود ندارد.

### توجیه‌پذیری بیمه هزینه‌های قضایی در بازار ایران

این واقعیت که بیمه هزینه‌های قضایی در نظام‌های حقوقی نوشته موفقیتی بیشتر از نظام‌های عرفی داشته است، (Regan, 2001, p. 294) برای کاربست آن در ایران دلگرم‌کننده است، اما همه چیزی نیست که احتیاج داریم. به رغم منافع اجتماعی بیمه‌های قضایی، نباید این طرح‌ها را تبدیل به طرح‌هایی با پشتیبانی یارانه‌های دولتی و شبیه به بیمه‌های اجتماعی کرد. تغییر دولت‌ها و سیاست‌های حمایت اجتماعی منجر به نوسان تأمین مالی این برنامه‌ها و لاجرم تضعیف آن‌ها می‌شود. علاوه بر این از قدرت انعطاف شرکت‌های بیمه و انطباق آن‌ها با تحولات بازار نیز کاسته خواهد شد. با این اوصاف، بیمه هزینه‌های قضایی باید خودبسنده مالی و توجیه اقتصادی داشته باشد. ایده‌ای که به سادگی محقق نمی‌شود.

بیمه‌های هزینه‌های قضایی از بیمه‌های درمانی الگو گرفته‌اند و مقایسه تفاوت‌های موجود بین خدمات پزشکی و خدمات حقوقی، می‌تواند ما را متوجه مشکلاتی کند که در نظر نخست وجود دارد. بیمه‌های درمانی به ازای هر خدمت مشخص با تعرفه‌ای مشخص سر و کار دارند، لذا بیمار، پزشک و بیمه‌گر در موقعیتی قرار می‌گیرند که درک روشنی از هزینه و میزان تعهدات بیمه‌ای وجود دارد. تعرفه‌های خدمات حقوقی در ایران نه از تفصیل تعرفه‌های پزشکی برخوردارند و نه قدرت الزام آن‌ها را با خود به همراه دارند. عدم فراگیری این قبیل خدمات، عامل سومی است که نظارت و بازرسی برای مراعات تعرفه‌ها را فاقد مزیت می‌کند. مشکل آزادی تعرفه‌های خدمات قضایی، همواره یک مانع جدی بر سر راه تحقق بیمه‌های هزینه‌های قضایی بوده است. چنان‌که کیلیان می‌گوید انگلستان در دهه ۱۹۷۰ میلادی با همین مشکل روبرو بود: عدم امکان محاسبه هزینه یک بیمه توسط بیمه‌گر به دلیل آزادی تعرفه‌ها (Kilian, 2003, p. 42).

بیمه‌های قضایی در آلمان، هزینه‌های مختلف اعم از هزینه‌های دادگاه، هزینه‌های کارشناسی، وجه‌الضمان<sup>۱</sup> یا هزینه‌های اجرای حکم<sup>۲</sup> را در برمی‌گیرد و نسبت به حق‌الوکاله، نیز در چارچوب

1- Bail.

2- Compulsory Execution.

تعرفه‌های وضع شده متعهد است. (Kilian, 2003, p. 38) همان گونه که یکی از نویسندگان اشاره می‌کند توفیق بیمه‌های هزینه‌های قضایی در آلمان غربی در قیاس با ایالات متحده<sup>۱</sup>، به دو عامل مربوط بود: نخست، غیراخلاقی و در نتیجه ممنوع بودن حق الوکاله‌های محتمل<sup>۲</sup> در آلمان غربی؛ دوم، مشخص و غیر قابل مذاکره بودن<sup>۳</sup> تعرفه‌های خدمات و کالتی و قضایی در آلمان غربی (Blankenburg, 1981, p. 604).

در ایران، لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری<sup>۴</sup> و آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله<sup>۵</sup> دال بر قاعده اولی آزادی تعرفه‌های خدمات قضایی و کلا و مشاوران حقوقی است. آنچه در آیین‌نامه‌ها مشخص شده، راجع به موارد سکوت قرارداد و کالت یا برای وصول حق الوکاله به‌عنوان بخشی از هزینه دادرسی از محکوم علیه است. این آزادی در حالی است که می‌توان برای خدمات متفاوت، از قبیل نگارش لایحه، اجرای حکم، مشاوره طرح دعوی و ... تعرفه‌های متفاوت یا دست کم غرامت‌های متفاوت وضع کرد. در ماده ۱۴ آیین‌نامه برای برخی خدمات حقوقی که بدون تنظیم و کالتنامه صورت می‌گیرد، تعرفه‌هایی وضع شده است. این تعرفه‌ها نیز نسبت نزدیکی با واقعیت ندارد، اما ایده قابل استفاده‌ای برای بیمه‌های قضایی به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد وضع تعرفه‌های تفصیلی برای هر یک از خدمات حقوقی امکان‌پذیر است، مشکل اصلی آن جاست که تمایلی برای دخالت در بازار آزاد و کالت وجود ندارد. در زمان تصویب آیین‌نامه فوق‌الذکر، روسای کانون‌های وکلای دادگستری در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه مراتب اعتراض خود را به این آیین‌نامه اعلام کردند. فارغ از بحث درباره کلیات آیین‌نامه و نحوه تصویب آن، مخالفت با تعیین سقف برای هزینه و کالت یا تعرفه برای خدمات قضایی، با جدل‌های سیاسی و برجسب‌زنی به صاحبان دعاوی بزرگ توأم شد: «تعیین سقف بیست میلیون تومان برای حق الوکاله دعاوی با خواسته بیش از پانصد میلیون تومان و سقف پانصد هزار تومان برای

۱- بیمه‌های قضایی در ایالات متحده آمریکا، برای وقایع پیش‌بینی‌پذیر و معینی استفاده می‌شوند که هزینه ناچیزی داشته، روزمره و مبتلا به هستند. نظام‌هایی نظیر حق الوکاله‌های محتمل و دعاوی دسته جمعی پوشش‌دهنده دعاوی بزرگانند. (Regan, 2001, p. 295)

2- Contingent Fee.

۳- معنای غیر قابل مذاکره بودن آن است که توافق بر نرخ‌های کمتر از تعرفه‌های مقرر خدمات وکالتی در آلمان ممنوع است.

۴- لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۵ اسفند ۱۳۳۳، مجلسین شورای ملی و سنا، ماده ۱۹.

۵- آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری و وکلای موضوع ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۷ تیر ۱۳۸۵، رئیس قوه قضائیه.

حق الوکاله امور اجرایی (موضوع اجراییه هر قدر که باشد) در واقع کمک به ثروتمندان است نه رعایت حال ضعفا؛ زیرا دعاوی و اجراییه‌هایی با این ارقام صرفاً می‌تواند به مستکبران تعلق داشته باشد که به این ترتیب در واقع از خدمت مجانی و کلا استفاده خواهند کرد!» (Letter of Bars' Chairmans to Head of Judiciary, 2006, p. 16) نحوه تعیین تعرفه‌هاست: «[در ماده ۸] تعیین حق الوکاله‌های متنوع برای امور کیفری بر حسب نوع مجازات و تعداد جرائم، بدون این که مشخص شود این عوامل در چه مرحله‌ای از کار باید مورد توجه قرار گیرد و بدون تفکیک حق الوکاله شاکی و مشتکی عنه، اشکال محاسبه را -با توجه به موارد مربوط به سابقه و مدرک تحصیلی و ...- مضاعف می‌کند.» (Letter of Bars' Chairmans to Head of Judiciary, 2006, pp. 16-17) آیین‌نامه‌ای است که هیچ‌گونه تغییری در بازار آزاد حق الوکاله‌ها به وجود نمی‌آورد. برای این مخالفت، که گاه حتی از طریق مطایبه با رئیس وقت قوه قضائیه بیان می‌شد (Mahdavi, 2006)، دلیل قانع‌کننده‌ای بیان نشده است.

اگرچه آزادی در تعیین نرخ‌ها، امر مبارکی است و از بسیاری از تالی‌های فاسد دیگر جلوگیری می‌کند، اما نرخ آزادانه در بازاری معنا دارد که همه قواعد آن بر پایه آزادی تعیین گردد. زمانی می‌توان از ایده آزادی کامل در تعیین نرخ تعرفه‌ها دفاع کرد که در بازار آزادی کامل برای انتخاب و کیل وجود داشته باشد. در بازار ایران که رقابتی نسبتاً واقعی در عرضه خدمات پزشکی وجود دارد، از تعرفه‌ها حمایت می‌شود، اما هیچ‌حمایتی از تعرفه‌های اجباری خدمات قضایی صورت نمی‌گیرد، در صورتی که انحصار عرضه خدمات حقوقی در اختیار کانون وکلای دادگستری و کانون مشاوران حقوقی قوه قضائیه است. الیوت چیتهم با استناد به این گزین‌گویه انجیلی و قاعده رفتاری که «مصونیت، مسئولیت می‌آورد» (Cheatham, 1964, p. 443) استدلال می‌کند وضعیت کانون وکلای آمریکا در عرضه انحصاری خدمات حقوقی، این

۱- مهدوی نجم‌آبادی، وکیل دادگستری و مدیر مسئول مجله وکالت می‌نویسد: «وقتی ایشان به کانون وکلای دادگستری در تقابل با قوه قضائیه نظر می‌کنند و در مقام تنظیم آیین‌نامه تعرفه حق الوکاله چندان دقت می‌فرمایند که حتی برای تعداد صفحات لایحه، مبلغ تعیین می‌کنند، شاید در پاسخ به جناب پاپ بهتر بود به تحلیل آراء این حزم (که جناب پاپ به او اشارت کرده بود) و اساساً سیر کلام مسیحی و اسلامی در بحث عقل و دین می‌پرداختند... و الا جمع قلیل و چراغ نیم‌روشن وکلای دادگستری کجا و قدرت جهانی جناب پاپ کجا؟»

مسئولیت را ایجاد می‌کند که نسبت به دسترسی‌پذیری خدمات خود برای همه شهروندان، اعم از نیازمند و بی‌نیاز، پیگیر باشد. وکلا و مشاورانی که به مدد آزمون‌های سالیانه و تعیین سقف‌های استانی برای جذب وکیل، از مزایای این بازار نه چندان رقابتی بهره می‌برند، و از به چالش کشیده شدن امنیت حرفه‌ای خود در یک بازار پرقابته مصون‌اند، باید به همین میزان نیز قبول مسئولیت کنند.

نمی‌توان ادعا کرد انحصار تقریبی در بازار عرضه خدمات حقوقی، خالی از فایده است. انحصار در این بازار مزایایی چون کاهش هزینه جست‌وجو برای وکیل و بهبود کیفیت خدمت‌دهی را نیز می‌تواند به همراه داشته باشد. (Baarsma, Felsö, Janssen, & Bremer, 2008, p. V) اما آیا مسئله دسترسی‌پذیری را نیز حل می‌کند؟ وانگهی گران بودن خدمات حقوقی شاید ناشی از پیچیدگی پرونده‌های حقوقی و هزینه‌بر بودن کسب توامان دانش و تجربه حقوقی باشد، اما فاکتور انحصار را نمی‌توان در این بالا بودن تعرفه خدمات و کلا نادیده گرفت. (Baarsma, Felsö, Janssen, & Bremer, 2008, p. V) وکلا و مشاوران یا باید مزایای یک بازار انحصاری را از دست فرو بنهند و به رقابت کامل تن دهند، یا مسئولیت اجتماعی خود برای دسترسی شهروندان به خدمات قضایی را ایفا کنند و یا دست کم در وضعیتی بینابینی به وجود تعرفه‌هایی برای خدمات خود قانع شوند که ابزارهایی نظیر بیمه هزینه‌های قضایی را توجیه‌پذیر کند. بر پایه این مسئولیت اخلاقی، نمی‌توان وکلا را به نهادهای خیریه تبدیل کرد، اما می‌توان و باید زمینه را برای دسترسی‌پذیری بیشتر خدمات قضایی فراهم کرد.

علاوه بر راه حل وضع تعرفه، می‌توان در بازار خدمات قضایی غیر وکالتی نیز رقابت بیشتری ایجاد کرد. یکی از این راه‌ها، عرضه مجوز به شرکت‌ها برای ارائه خدمات قضایی است. در این روش کانون‌های وکلا به جای ارزیابی کیفیت افراد، کیفیت عرضه خدمات شرکت‌ها را ارزیابی و تضمین می‌کنند. این تمهید می‌تواند برای شرکت‌های بیمه‌ای نیز این جذابیت را به وجود بیاورد که با استخدام حقوق‌دانان زبده، بتوانند خدمات قضایی را از طریق بیمه‌ها و با هزینه اندک حق بیمه رواج دهد. وکلای حرفه‌ای، غیر از دارا بودن آموزش حقوقی کافی، به مهارت‌های بازاریابانه نیز نیاز دارند و لزوماً همه دانش‌آموختگان حقوق‌دارای این مهارت‌ها یا چنین علایقی نیستند. این قبیل دانش‌آموختگان که به رغم وجود سطح علمی مناسب، در بازار وکالت حضور نمی‌یابند، می‌توانند جذب این شرکت‌ها شوند. تجربه موفق کلینیک‌ها و بیمارستان‌های وابسته به شرکت‌های

بیمه می‌تواند سرمشق مناسبی باشد.

این روش علاوه بر قیمت تمام‌شده ارزان‌تر برای شرکت‌های بیمه، زمینه بهره‌گیری از ظرفیت‌های معطل‌مانده در شرکت‌های بیمه را نیز فراهم می‌کند، چراکه این شرکت‌ها برای تمشیت امور قراردادهای خود، از پرسنل حقوق‌دان بهره می‌گیرند (Kilian, 2003, p. 35) البته نباید این نکته را نادیده گرفت که الزام بیمه‌گذاران به استفاده از وکلایی که بیمه‌گر تعیین می‌کند، می‌تواند خطر عدم مطلوبیت و کیل (خواه به دلیل عدم رضایت موکل و خواه به دلیل فقدان کیفیت کافی در خدمات و کیل) را به همراه داشته باشد. عدم مطلوبیت، ارزش خودفرمانی در توانمندسازی حقوقی را زیر سؤال می‌برد، افزون بر آن، در صورت عدم رضایت از حکم صادره در محاکم دادگستری، این نارضایتی را تشدید کرده و نزاع گشوده شده را به نوعی حل‌نشده باقی می‌گذارد.

با همه این اوصاف چرا در صدد ترویج بیمه‌های قضایی با قبول واقعیت‌های موجود نباشیم؟ چنانچه بنای ترویج بیمه‌های قضایی در بازار وکالت ایران - با تلاش تمام برای حفظ وضع موجود - وجود داشته باشد، ناگزیر نحوه پوشش ریسک‌های قضایی نیز باید به توافق آزادانه شرکت‌های بیمه و بیمه‌گذاران و آزادی بیمه‌گذارها در انتخاب وکیل سپرده شود. ماهیت پیچیده پرونده‌های حقوقی، باعث می‌شود حتی در موضوعات واحد نیز هزینه وکالت از پرونده‌ای به پرونده‌ای دیگر متفاوت باشد. لاجرم، شرکت‌های بیمه ناچارند تا به خوداظهاری و کیل و موکل تکیه کنند. این روش خالی از ایراد نیست. چنانچه استولز می‌گوید، وکیل و موکل، هر دو، از قرارداد بیمه منتفع می‌گردند و ممکن است برای قیمتی تر جلوه دادن خدمات ارائه‌شده تباخی کنند. از یک سو «بعضی معضلات حقوقی ماهیتی دارند که راستی‌آزمایی عینی آن‌ها ممکن نیست» و از سوی دیگر اقتضای محرمانگی روابط وکیل و موکل، اجازه بازبینی همه جزئیات این رابطه توسط یک شخص یا نهاد ثالث را نخواهد داد. بیمه‌گر چاره‌ای جز اعتماد به اظهارات وکیل و موکل برای تعیین نوع خدمت ارائه‌شده و لاجرم تعرفه آن ندارد. او یک راه حل احتمالی را وضع محدودیت کمی برای سقف خدمات و کنار گذاشتن هر گونه نظارت دیگر می‌داند. به‌عنوان مثال هر بیمه‌گذار تنها حق یک مشاوره در سال داشته باشد (Stolz, 1968, p. 430).

نکته نومی‌کننده آن است که اصولاً بازار راه خود را می‌یابد. اگر وضعیت کنونی نهاد وکالت و خدمات قضایی، ظرفیت پذیرش شرکت‌های بیمه را داشت، این بیمه‌ها سال‌ها پیش در ایران پا

گرفته بودند. به همین خاطر بدون وجود محرک‌ها یا تغییرهای چشم‌گیر در بازار و کالت نمی‌توان امید چندانی به انگیزش شرکت‌های خصوصی برای سرمایه‌گذاری در ریسک‌های خالص قضایی داشت. به همین خاطر است که هم‌چنان بهترین راه ترویج بیمه‌های قضایی ایجاد تغییراتی به نسبت انقلابی، نظیر وضع تعرفه‌های الزامی و تفصیلی یا افزایش رقابت در بازار و کالت است.

ابهام در میزان مکفی پوشش بیمه‌ای، تنها مشکل وضعیت کنونی برای استفاده از بیمه‌های قضایی نیست. بیمه‌ها تمایلی به پوشش هزینه‌های ناشی از عمد بیمه‌گذار ندارند، این بی‌تمایلی برای کاهش مخاطرات اخلاقی و رفتاری است. در آلمان، بیمه‌های حقوقی جرائم شریانه<sup>۱</sup> را پوشش نمی‌دهند (Kilian, 2003, p. 37). در هلند پرونده‌های طلاق، دعاوی مالیاتی و امور کیفری از شمول پوشش بیمه‌ها خارج هستند (Velthoven & Haarhuis, 2011, p. 590). با این حال همان‌گونه که بیمه‌ها توانسته‌اند با تدابیری مسئولیت‌های مدنی موجود در بازار را به انحای مختلف پوشش دهند، احتمالاً راه‌هایی برای پوشش این قبیل ریسک‌ها می‌یابند، مشکل اصلی بیمه‌های قضایی همان حق‌الوکاله‌های آزاد است.

### روش‌های جایگزین

آنچه به‌عنوان بیمه هزینه‌های قضایی شهره شده، مجموعه‌ای از طرح‌ها و برنامه‌های مختلف تأمین مالی یک خدمت حقوقی از طریق تقلیل هزینه‌هاست که لزوماً و در همه موارد با آنچه از نظر فنی بیمه خوانده می‌شود، منطبق نیست. روش‌های دیگری نیز وجود دارد که بعضی از آن‌ها بیمه، به معنای توزیع ریسک ضرر، به حساب نمی‌آیند یا بعضی از آن‌ها، بیمه‌هایی خاص تلقی می‌شوند؛ اما همه این راه‌ها به دلیل کاهش هزینه‌های اقامه حق از طریق توزیع بین جمعی از افراد، به نام بیمه هزینه‌های قضایی مشهور شده‌اند.

از جمله این طرح‌ها، طرح خدمات قضایی گروهی است. در این طرح گروهی سازمان‌یافته از موکلان از خدمات یک وکیل برای مشکلات حقوقی خود بهره‌مند می‌شوند. گروه، خدمات وکیل را برای یک مدت معین، خریداری می‌کند و هم‌چون یک بیمه، هزینه استخدام وی بین همه

1- Wilful Crimes.

Wilful برای اشاره به قصدهای محض و متمایز کردن آن از بی‌احتیاطی‌ها استفاده می‌شود. هر چند این واژه معنای محصل حقوقی ندارد.

اعضای گروه سرشکن می‌شود. بهای خدمات و کیل متناسب با گستره خدمات قابل ارائه تغییر می‌کند. (Jr, 1971, p. 47) در این حالت موکلین هیچ اختیاری برای انتخاب و کیل خود ندارند، و این نقطه ضعف طرح‌های خرید گروهی خدمات در قیاس با طرح‌های بیمه‌ای است. در ایالات متحده این نگرانی وجود داشت که خرید گروهی خدمات، منجر به از دست رفتن مشتریان منفرد و کلا شود و سطح رقابت‌پذیری بازار و کالت را کاهش دهد، حال آنکه طرح‌های بیمه‌ای چنین نقیصه‌ای نداشته و مشتریان را به گروه‌های بزرگ که تنها می‌توانند از جمع معدودی انتخاب و کیل کنند، تقسیم نمی‌کنند (Stolz, 1968, p. 422).

ارائه خدمات حقوقی توسط کارفرمایان را نیز می‌توان به این فهرست افزود. (Stolz, 1968, pp. 470-471) کارفرمایان و اداراتی که از وجود مستخدمین حقوق‌دان بهره می‌برند، می‌توانند بخشی از وظایف این مستخدمین را ارائه خدمت به همکاران خود قرار دهند. در حقیقت کارفرمایان با این کار، از طریق هزینه‌های سابقاً انجام‌شده، مزایایی را برای کارکنان خویش تدارک می‌بینند. این هزینه‌ها که در علم اقتصاد به هزینه ریخته یا هزینه‌های نابرگشتنی<sup>۱</sup> شناخته می‌شوند، این خصلت را دارند که در محاسبات کنش‌گر اقتصادی تأثیر چندانی ندارند. به بیان ساده‌تر از دید کنش‌گر اقتصادی کالایی به قیمت ۱۲۰۰ تومان را که ۱۰۰۰ تومان آن به هر حال قبلاً پرداخت شده و قابل وصول نیست، ۲۰۰ تومان قیمت دارد.

طرح حمایت قضایی کارفرما از کارمند، در حقوق ایران چندان بدیع نیست. در قانون مدیریت خدمات کشوری، دستگاه‌های اجرایی مکلف به حمایت قضایی از کارمندانی هستند که به مناسبت انجام وظایف شغلی خود در مقام متهم یا خوانده قرار می‌گیرند. این حمایت قضایی یا با استخدام و کیل یا از طریق نیروی انسانی در خدمت اداره صورت می‌گیرد.<sup>۲</sup> همین تکلیف به نحوی عام‌تر برای کلیه دعاوی ناشی از وظایف شغلی نیروهای کشوری و لشکری در «قانون حمایت قضائی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح»<sup>۳</sup> وضع شده است. در این قانون، تنها آن دسته از دعاوی

1- Sunk Costs.

۲- قانون مدیریت خدمات کشوری، مصوب کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶، ماده ۸۸.

۳- مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۶، با اصلاحات بعدی.

که به طرفیت اداره دولتی به عنوان شاکی طرح می‌شود، مستثنی شده است.<sup>۱</sup> اهمیت این قانون، در تأسیس صلاحیت‌های راجع به وکیل دادگستری برای کارشناسان حقوقی دستگاه‌های دولتی بدون نیاز به اخذ پروانه وکالت است. به نظر می‌رسد هیچ منعی برای تأسیس چنین صلاحیتی برای کارشناسان حقوقی شرکت‌های خصوصی وجود ندارد. حتی فراتر از آن، به شرکت‌های خصوصی اجازه داده شود که در ازای کسر مبلغی از دستمزدها، خدمات کارشناسان حقوقی خود را به صورت فراگیر و فارغ از ارتباط یا عدم ارتباط آن دعوا به وظایف شغلی به مستخدمان خود ارائه دهند. نوعی از ارائه خدمات فراگیر به نیروی انسانی مرتبط در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قابل مشاهده است. این خدمات به کلیه بسیجیان، ایثارگران و رزمندگان، فارغ از نوع و جنس دعوای مطروحه ارائه می‌شود.<sup>۲</sup> اگرچه در این قانون، برای کارشناسان حقوقی این نهاد (که در آیین‌نامه اجرایی «دفاتر حمایت حقوقی و قضائی ایثارگران» خوانده شده‌اند) صلاحیت وکالت دادگستری تأسیس نشده است، اما این دفاتر می‌توانند عنداللزوم از وکلای دادگستری بهره بگیرند.<sup>۳</sup> اهمیت تأسیس این دفاتر، ارائه یک پوشش همه‌جانبه به نیروهای انسانی مرتبط، در دادگاه‌ها، آن هم از محل منابع عمومی است.

یکی دیگر از ایده‌های تجربه‌شده، تقسیط هزینه‌های وکالت با وساطت یک بانک است. این طرح مبتنی بر همکاری یک کانون وکلا با یک بانک است. بانک پس از اعتبارسنجی متقاضی خدمات، هزینه‌های خدمات را می‌پردازد و در مقابل این مبلغ را برای موکل تقسیط می‌کند. چنین خدمتی بیمه تلقی نمی‌شود، زیرا نه زیان وارده به موکل را کاهش داده و نه نسبت به اتفاق خصلتی پیشینی دارد. از جمله محاسن بیمه‌های قضایی، استفاده از خدمات مشاوره‌ای به محض احساس نخستین مشکلات است، مزیتی که در تقسیط هزینه‌ها مشاهده نمی‌شود (Jr, 1971, pp. 47-48). بعضی از بیمه‌های خدمات قضایی، بیمه‌های بعد از رویداد<sup>۴</sup> هستند. این بیمه‌ها در پرونده‌هایی

۱- البته جای این پرسش باقی است که با توجه به عموم ناشی از عبارت «کلیه دعوای» در ماده واحده و مستثنی شدن آن دسته از دعوای که به موجب شکایت دستگاه دولتی انجام می‌شود، آیا کارمندان درباره دعوای شغلی خود که به طرفیت اداره و نزد دیوان عدالت اداری طرح می‌کنند از حمایت کارشناسان حقوقی دستگاه ذیربط خود بهره‌مند خواهند بود؟

۲- قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۰، ماده ۲۰۳.

۳- آیین‌نامه اجرائی موضوع ماده ۲۰۳ قانون استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب مقام معظم رهبری، ۱۹ مرداد ۱۳۷۳، ماده ۳.

4- After-the-event (ATE).



استفاده می‌شوند که احتمال پیروزی آن‌ها بسیار بالاست و خسارات احتمالی ناشی از شکست در پرونده را پوشش می‌دهند. از جایی که این بیمه‌ها ریسک‌های بزرگ‌تری را پوشش می‌دهند، بهای بالاتری دارند. در انگلستان این بیمه‌ها معمولاً معطوف به یک حق‌الوکاله مشروط<sup>۱</sup> فروخته می‌شوند. در انگلستان نظیر بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا، قاعده «بازنده، کل هزینه دادرسی (حتی هزینه‌های برنده) را می‌پردازد» حاکم است. در مدل انگلیسی حق‌الوکاله مشروط، وکلا تعهدی نسبت به هزینه‌های پرونده در صورت شکست ندارند و این قبیل بیمه‌ها می‌توانند پوشش‌دهنده این هزینه‌ها باشند. البته این بیمه‌ها بدون وجود یک حق‌الوکاله مشروط نیز فروخته می‌شوند، که در این صورت می‌تواند پوشش‌دهنده حق‌الوکاله در صورت شکست نیز باشند. (Kilian, 2003, p. 33) بازار بیمه‌های بعد از رویداد در پرونده‌های قضایی به شدت رو به رشد است. در سال ۲۰۰۸ حدود سه چهارم پرونده‌های حقوقی مبتنی بر حق‌الوکاله مشروط در بریتانیا از چنین بیمه‌ای استفاده می‌کرده‌اند. این بازار تا حدی رشد کرده است که برخی شرکت‌های بیمه به عنوان یک مزیت، پرداخت حق بیمه را تا ختم پرونده و پیروزی در آن به تعویق می‌اندازند (Gryphon, 2010, p. 60).

### نتیجه

فارغ از گفت‌وگوهایی که راجع به انطباق وجودی هر یک از ابزارهای حقوقی با اصول اساسی یک نظام حقوقی یا هنجارهای اخلاقی وجود دارد، هر یک از ابزارهای توانمندسازی حقوقی - در صورت پذیرش وجود - با مسائل اخلاقی خاص خود روبه‌رو است. گاهی اصول توانمندسازی حقوقی چنین ملاحظاتی را ضروری می‌کند تا ابزاری به ضد خود تبدیل و کمک‌های قضایی از جاده غایات منحرف نشود. چنین دقتی احتمالاً اثرات ثانویه‌ای نظیر افزایش کارایی ابزار و رضایت‌مندی شهروند از خدمات‌رسانی قضایی را نیز در پی خواهد داشت. دقت به استانداردهای اخلاقی بیمه هزینه‌های قضایی هم از این رو ضروری است که یک ابزار غیر دولتی کمک‌رسانی حقوقی به شمار می‌رود و خطر استثمار و سوء استفاده از شهروندان در چنین مواردی افزایش

1- Conditional Fee.

می‌یابد.

مسئله اصلی آن است که چگونه بیمه‌ها را در حدود خود نگه داریم. مأموریت اصلی بیمه‌ها، پوشش دادن ریسک‌های ناشی از طرح یا پیگیری یک پرونده قضایی است، اما این مأموریت ممکن است با ابزارهایی متنوع به انجام برسد. نمی‌توان از شرکت‌های بیمه توقع داشت با یک قرارداد مجمل و تحت هر شرایطی، هزینه‌های مالی هر گونه پرونده قضایی احتمالی بیمه‌گذار را پوشش دهند. مسلماً این شرکت‌ها برای وجود سود کافی، از روش‌های مختلفی بهره خواهند برد، در عین حال، مأموریت تدارک‌کنندگان کمک‌های حقوقی وضع استانداردهایی است که در عین حفظ انعطاف‌پذیری بازار بیمه‌های قضایی، حافظ حقوق شهروندان نیز باشد.

یکی از مفاد حائز اهمیت قرارداد بیمه هزینه‌های قضایی، نقش بیمه‌گر در انتخاب و کیل است. انتخاب آزادانه و کیل، یک ایده آل غیر قابل انکار در ارائه کمک‌های حقوقی است، اما بدون تردید این ایده آل قدرتمندتر از اصل دسترسی هر چه بیشتر به عدالت نیست. همان‌گونه که در وکالت تسخیری یا خدمات کلینیکی دایره این آزادی محدود می‌شود، در ارائه خدمات بیمه‌ای نیز همین امکان وجود دارد. گفته شد که چه بسا بهره‌گیری از مشاوران حقوقی شرکت‌های بیمه به عنوان مشاور حقوقی خریدار بیمه هزینه‌های قضایی، یکی از راه‌های ترغیب شرکت‌های بیمه به ارائه این قبیل بیمه‌ها باشد، اما به طور کلی نسبت به سلب آزادی بیمه‌گذار در انتخاب و کیل باید چه واکنشی نشان داد؟ دامنه چنین تجویزی تنها به سودآوری از هزینه ریخته محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است شرکت‌های بیمه را به واسطه‌هایی پر قدرت در بازار وکالت تبدیل کند. در آلمان غربی، بیمه‌گرها حق پیشنهاد و کیل یا هیچ‌گونه مداخله در تصمیم بیمه‌گذار برای انتخاب و کیل را نداشتند، اما عملاً و در صورت تقاضای موکلین این مشورت به آن‌ها ارائه می‌شد (Blankenburg, 1981, p. 605). به نظر می‌رسد حتی در این صورت نیز، اثرات منفی به جای خود باقی خواهند بود. آن‌چه از منظر بیمه‌گذار، یک مشورت ساده به چشم می‌آید، از منظر بیمه‌گر بازاری از تقاضاهای سودآور است. به نظر می‌رسد این قبیل مداخله‌های شرکت‌های بیمه باید بر پایه یک توافق قراردادی صریح صورت بگیرد. هم‌چنین مداخله بیمه‌گر در انتخاب و کیل نباید از شرایط غیر قابل مذاکره قراردادهای نمونه بیمه باشد، مضاف بر این که انتخاب این گزینه باید به کاهش قیمت بیمه خریداری شده بینجامد.

مسئله دیگر صلاحدید بیمه‌گر، برای حمایت از بیمه‌گذار است. در آلمان غربی، قراردادهای

بیمه این اجازه را به شرکت‌های بیمه می‌دادند که از پوشش پرونده‌های «فاقد شانس معقول برای موفقیت» خودداری کنند، اگرچه عملاً استفاده‌ای بسیار اندک از چنین اختیاری می‌شد (Blankenburg, 1981, p. 605). نمی‌توان شرکت‌های بیمه را برای گنجاندن چنین شرطی در قرارداد ملامت یا مواخذه کرد، اما می‌توان با مقررات‌گذاری آن را به نحوی تعدیل و مدیریت کرد که منافع هر دو طرف قرارداد حفظ شده و مانع از عدم ایفای تعهدات بیمه‌گر به بهانه نبود شانس معقول موفقیت شد. می‌توان کانون وکلا یا نهاد ملی کمک‌های حقوقی را به‌عنوان مرجع صالح به رسیدگی راجع به اختلافات بیمه‌گر و بیمه‌گذار درباره شانس معقول موفقیت پرونده‌های قضایی تعیین کرد.

### References

- [1] Baarsma, B., Felsö, F. A., Janssen, K., & Bremer, S. (2008). Regulation of the legal profession and access to law. *Report commissioned by the International Association of Legal Expenses Insurance (RIAD), SEO Economic Research.*
- [2] Blankenburg, E. (1981). Legal Insurance, Litigant Decisions, and the Rising Caseloads of Courts: A West German Study. *Law and Society Review*, 601-624.
- [3] Cheatham, E. E. (1964). Availability of Legal Services: The Responsibility of the Individual Lawyer and of the Organized Bar. *UCLA L. Rev.*, 12, 438.
- [4] Frierson, J. G. (1975). Legal Advertising. *Barrister*, 2, 6.
- [5] Gryphon, M. (2010). Assessing the Effects of a Loser Pays Rule on the American Legal System: An Economic Analysis and Proposal for Reform. *Rutgers JL & Pub. Pol'y*, 8, 567.
- [6] Jr, R. R. (1971). Shreveport Plan for Prepaid Legal Services-A Unique Experiment, *The La. L. Rev.*, 32, 45.
- [7] Kilian, M. (2003). *Alternatives to public provision: The role of legal expenses insurance in broadening access to justice: The German experience* (Vol. 30). Blackwell Publishing.
- [8] Letter of Bars' Chairmans to Head of Judiciary. (2006). *Vekalat Magazine*(31-32), pp. 14-17. Retrieved from <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/114223>, In Persian.
- [9] Mahdavi Najmabadi, S. R. (2006). Editor Note: Dialogue with Pop and Lawyering Tarrif. *Vekalat Magazine*(31 -32), pp. 4-5. Retrieved from <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/114218>, In Persian.
- [10] Mahmoudsalehi, J. (2010). *Insurance and Commerce Encyclopedia*. Tehran: Central Insurance of IR Iran, Insurance Research Center, In Persian.
- [11] Qiao, Y. (2010). Legal-expenses insurance and settlement. *Asian Journal of Law and Economics*, 1(1).

- [12] Regan, F. (2001). Whatever Happened to Legal Expense Insurance. *Alternative LJ*, 26, 293.
- [13] Regan, F. (2003). *The Swedish Legal Services Policy Remix: The Shift from Public Legal Aid to Private Legal Expense Insurance*. Blackwell Publishing.
- [14] Rejda, G. E. (2015). *Principles of Risk Management and Insurance*. (Q. Mahdavi, & M. Abed, Trans.) Tehran: Central Insurance of IR Iran, Insurance Research Center, In Persian.
- [15] Stolz, P. (1968). Insurance for Legal Services: A Preliminary Study of Feasibility. *The University of Chicago Law Review*, 35(3), 417-476.
- [16] Velthoven, B. C., & Haarhuis, C. M. (2011). Legal Aid and Legal Expenses Insurance, Complements or Substitutes? The Case of the Netherlands. *Journal of Empirical Legal Studies*, 8(3), 587-612.
- [17] Williams, C. A., & Heins, R. (2003). *Risk Management*. (D. Venus, & H. Goudarzi, Trans.) Tehran: Negah Danesh, In Persian.

